

در این سخن رانی که بعد از صرف نهار برگزار شد اعضای روتاری کلاب و فعالان سیاسی علاقمند به این دو شخصیت دمکرات، لیبرال و سلطنت طلب شرکت کردند. سخن رانی زیر رهبری این شاخه روتاری کلاب و مقررات آن اداره میشد.

در گردهمایی آقای داریوش همایون سخن ران اول بود و تحلیلی از جو سیاسی بعد از حمله تروریستی واپس گراهای اسلامی زیر رهبری گروه اسلام گراهای عثمان‌الدین داد. به نظر ایشان بطور کلی سیاست مدارا و چشم پوشی آمریکا نسبت به حزب اله سیاسی اسلامی پایان یافته است و اولین قدم آن ویران کردن رژیم طالبان با نیروی نظامی بود. حمایت آمریکا برای ایجاد رژیم سیاسی در افغانستان که تمام اقوام آن را شامل شود و اعلام سیاست دراز مدت خود از رها نکردن افغانستان به حال خود و در نتیجه جلوگیری از بازگشت اسلام گراهای واپس گرا به افغانستان نشانه، اراده مصمم آمریکا برای جنگیدن با حزب اله اسلامی است. آقای همایون در ادامه سخنانشان پیش بینی کرد که آمریکا در ادامه این مبارزه بر علیه اسلام سیاسی مهاجم و جنگجو کارش به درگیری با ایران و عراق و سایر کشورهایی خواهد کشید که با داشتن نظریه اسلام سیاسی به جنگ غرب میروند.

آقای شاهین فاطمی تاکید سخنانشان بر اسطوره‌های شکسته شده در جهان اسلام بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و فروپاشی رژیم طالبان زیر فشار بمباران بی امان آمریکا و هسته منسجم نظامی اتحادیه شمال بود. به گفته ایشان وحدت جهان اسلام و یک پارچگی آن اسطوره ای بود که فرو پاشید و ما دیدیم که نه تنها هیچ رژیم اسلامی به کمک طالبان افغانستان نرفت بلکه معدود حامیان آن مانند پاکستان به کمک آمریکا رفت و عربستان و امارات متحد عرب خلیج فارس با آن قطع رابطه کردند. او نیز معتقد بود که جنگ آمریکا با حزب اله اسلامی واپس گرا و ضد غربی ادامه خواهد داشت و به ایران خواهد کشید. مثال هایی که دکتر فاطمی آورد، عملیات تروریستی در عربستان و لبنان بر علیه نیروی نظامی آمریکا بود که دست جمهوری اسلامی در آن بخوبی دیده میشد. و همچنین حمایت جمهوری اسلامی از حماس و حزب اله در فلسطین و لبنان که آتش جنگ با اسرائیل را روشن نگه میدارند و از پیش رفت صلح بین اسرائیل و فلسطین جلوگیری میکنند. به گفته ایشان این سیاست جمهوری اسلامی منافع ملی ایران را نادیده میگیرد و به آن صدمه میزند. اما چنانچه ما به طبیعت سیاسی جمهوری اسلامی توجه کنیم خواهیم دید که کار این رژیم حفظ منافع ملی ایران نیست بلکه حفظ منافع اسلامی واپس گرای نوع حزب اله ایران است.

در بخش سوال و پاسخ که سوال کنندگان تنها میتوانستند از اعضای روتاری کلاب باشند. سوال کننده ای، تعقل اعلان سیاسی ایران را به شکل سوال از داریوش همایون مطرح کرد که انگلیسی بودن جمهوری اسلامی و نقش انگلیس در شرایط جدید چیست؟ ایشان انگلیسی بودن جمهوری اسلامی را رد کرد و به اختلافات فراوان این دو کشور اشاره کرد. سوال دیگر این بود که آیا سخن رانان آرزومند حمله آمریکا به ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی هستند؟ که جواب هر دو این بود که ما معتقد به تغییر رژیم توسط مردم ایران هستیم و چنین تمایلی نداریم.

در سخن رانی دوم آقای داریوش همایون با این عبارت که رژیم جمهوری اسلامی نه غیر اجتناب بود نه ضروری گفتار خود را آغاز کردند. و بعد از آن تحلیلی از وضعیت سیاسی ایران زیر حکومت رژیم جمهوری اسلامی بخصوص دوران رئیس جمهوری رفسنجانی داد که بطور کلی تبلیغات ضد جمهوری اسلامی بود که بهیچوجه دور از حقیقت نبود. ایشان در ادامه گفتارشان به دوران رئیس جمهوری خاتمی اشاره کرد و تنش سیاسی که بدنبال بسته شدن نشریات و شدت گرفتن جنبش سیاسی دانشجویی ایجاد شده است را بررسی کرد. آقای همایون امید زیادی به جنبش دانشجویی سیاسی بسته بود و جانی برای خود و حاضران در سخن رانی در آن میدید که شگفت آور بود. چون، چنانچه ما به ساختار جنبش سیاسی دانشجویی توجه کنیم دو گروه عمده سیاسی رهبری آن را در دست دارند که یکی کمونیستی و دیگری بخش های دور از قدرت مذهبی است مانند آیت اله خوئی‌ها که با نیروی دانشجویی خود سفارت آمریکا را در اوایل انقلاب گرفت و عیدی یکی از گردانندگان آن در حال حاضر مشاور حزب مشارکت است که سازمان بندی سیاسی پشت سر خاتمی است. با در نظر گرفتن این نکته و ناپایی دانشجویان سیاسی طرفدار

سلطنت مشروطه از آغاز تأسیس دانشگاه در ایران، انتظار آقای همایون آرزومندی سیاسی بیش برای خود و دوستانش نیست. آقای همایون از تنهایی سیاسی خارجی جمهوری اسلامی یاد کرد و اظهار داشت تنها دوست خارجی ایران در حال حاضر عربستان است و روابط با ارمنستان را تنها جنبه مثبت سیاست خارج آن دانست. اگر توجه کنیم که جمهوری اسلامی جمهوری آذربایجان را به نظر میدان توسعه طلبی طبیعی حزب اله میبیند. و جمهوری آذربایجان راه فعالیت حزب اله را تا میتواند بسته است و سیاست غرب گرایانه و نفتی آن بر خلاف سیاست جمهوری اسلامی است، میبینیم که دشمنی آشکاری بین این دو کشور وجود دارد. از جهت دیگر ارمنستان با اشغال ۲۵٪ از خاک جمهوری آذربایجان و آواره کردن یک میلیون آذربایجانی از خانه و دهکده های خود در حالت جنگی با جمهوری آذربایجان است. با در نظر گرفتن حالت جنگی بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان و دشمنی جمحوری اسلامی با رژیم غیره مذهبی جمهوری آذربایجان، روابط دوستانه جمهوری اسلامی با ارمنستان یک حرکت تاکتیکی در دشمنی با جمهوری آذربایجان است.

آقای شاهین فاطمی در بخش اول سخن رانی خود با حاضران در گردهمایی سخن گفت. ایشان توانائی های شنوندگان این نسل اول مهاجران به آمریکا را از جهت اقتصادی و اجتماعی تحسین کرد و آن را مایه افتخار دانست و از وظیفه آن ها به میهن خود ایران یاد کرد و نقشی که آنها میتوانند در آینده ایران داشته باشند حرف زد. ایشان آشکارا و به صراحت از سیاست آمریکا در بازنیاز در یوگسلاوی سابق، عراق و افغانستان دفاع کرد و آن را سیاستی انسان دوستانه نامید و بدین ترتیب موضع غرب گرایانه نادر خود را در میان سیاست پیشه های ایران اعلان کرد. آقای فاطمی برای نشان دادن اهمیت همبستگی و اتحاد، دو کشور افغانستان و عراق را مثال زد که در اولی بعثت وحدت بعد از شکست طالبان دولت موقتی که تمام مردم را نمایندگی کند تشکیل شد اما در عراق به علت پراکندگی نیروهای مخالف صدام حسین دیکتاتوری هنوز به عمر خود ادامه میدهد. ایشان همواره شوخ طبع، صریح، ملایم و دلنشین بود که از خود بنام آموزگار یاد میکردند.

در بخش سوال و پاسخ، سوال اول این بود که در حکومت بعدی ایران موقعیت اقلیت های مذهبی چه خواهد بود؟ جواب هر دو سخن ران این بود که ایران نباید دین رسمی داشته باشد و حقوق شهروندان ایران باید یکسان باشد. سوال بعدی این بود که چه نوع حکومتی را سخن رانان ترجیح میدهند؟ و جواب این بود که مشروطه سلطنتی. سوال کننده دیگری که طولانی بودن سوالش آن را بیشتر به سخن رانی تبدیل کرد این بود که، با در نظر گرفتن نقش سلطنت طلبان در کودتای ۲۸ مرداد و شهید شدن وزیر امور خارجه دکتر فاطمی در آن و اینکه جمهوری اسلامی نتیجه مستقیم رژیم پادشاهی است. بهتر نیست مقامات رژیم سابق (داریوش همایون) تنها به کتاب نوشتن پردازند و از اشتباهات شان در آن حرف بزنند؟ آقای همایون در جواب گفتند سوال کننده بهتر است کمی کتاب بخواند و به کتاب های که نوشته اند اشاره کردند و ادامه دادند "این فرهنگ شهید پروری و مظلوم واقع شدن را ما باید از فرهنگ خود بیرون کنیم چون آدم مظلوم یعنی طلب کار که به خود حق میدهد دست به هر کاری و جنایتی بزند چون مظلوم واقع شده است." سوال دیگر این بود که سخن رانان میخواهند آمریکا به ایران حمله کند؟ سخن رانان این را انکار کردند و گفتند ما معتقد هستیم مشکلات ایران باید توسط ایرانی ها حل شود.

آنچه مسلم است چنانچه جنگ ۲۲ ساله جمهوری اسلامی با آمریکا و اسرائیل کارش به حمله آمریکا به ایران بکشد مانند افغانستان، آمریکا از سخن رانان این گردهمایی و یا هر ایرانی مخالف جمهوری اسلامی سوال نخواهد کرد و اجازه نخواهد گرفت. و ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی با یک انتخاب روبرو خواهند شد، آیا از حزب اله پشتیبانی خواهند کرد تا ایران را در اسارت خود نگه دارد و یا از آمریکا پشتیبانی خواهند کرد تا ایران آزاد پیش از انقلاب اسلامی را دوباره امکان پذیر کند؟ ما باید بیاد بیاوریم که در انقلاب ۱۳۵۷ در نهایت جبهه ملی، نهضت آزادی، شخصیت های سیاسی و کمونیست ها نه بخاطر اعتقاد و درستی عمل بلکه بخاطر بی شجاعتی و فرصت طلبی بین بختیار و خمینی، ارتش و سپاه، پلیس و کمیته دومی ها را انتخاب کردند و پس از دریافت سیاستگزاری های حزب اله از آن زمان تا بحال دنبال سلب مسئولیت و یافتن مقصرین ساخته ذهن خود هستند. در شهریور ۱۳۲۰ وقتی که غرب تصمیم گرفت فرصت داشتن دمکراسی را به ایران بدهد نگران این نبود که ایرانیان آماده هستند ما نه. در

فرصت احتمالی دوم دمکراسی برای ایران هم آمادگی ایرانیان بحساب نخواهد آمد اما بهتر است فراموش نکنیم که ملت های دیگر مانند آلمان، ژاپن این فرصت را از دست ندادند و انتقال بسیار دشوار از دیکتاتوری به دمکراسی را انجام دادند.

این سخن رانی برای آقایان همایون و فاطمی توسط روتاری کلاب امکان پذیر شده بود. جای تأسف است که این آقایان بعد از ۲۲ سال فعالیت سیاسی در خارج سازمانی از خود ندارند تا اینگونه گردهمائی ها را برایشان ترتیب دهد. در این دو سخن رانی بخش قابل ملاحظه گردانندگان وسائل ارتباط جمعی لوس انجلس شرکت داشتند. ۱-۱۸-۰۲

کامبیز باسطوت